



History of Philosophy

Quarterly

Volume 5 Number 2 December 2019

Journal of the International Society
of the History of Philosophy

تاریخ فلسفه

شماره دوم زمستان ۱۳۹۸

فصلنامه علمی-پژوهشی بین‌المللی تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ فلسفه / زمستان ۱۳۹۸

- مجلس مومنانی، س. ۵
 واقع‌گرایان و بنیان‌گذاران مدرنیسم و مکتب فرانکفورت
 محمد نورانی، ۹
 نهاد مومنانی فلسفه
 محمدرضا اسدی و سیدمحمدباقر حسینی، ۱۹
 گزارشی از فلسفه عقلی به حکمت باطنی در آثار امیرالمؤمنین
 حسن انصاری، ۳۵
 علم الهی (مجلس امیرالمؤمنین علیه السلام)
 سید احمد حسینی، روح و بدن، ۵۵
 بررسی و تحلیل عقلانی آزادگانه در باب اعتبار امر محضی
 و ادبیات مدرنیسم
 حسین زینبی، ۷۵
 انگلیز علم فلسفی اسلامی
 مهدی باقری، زبانی و معنای معنوی و ادبی، ۸۵
 نوآوری‌های نوین فلسفه اسلامی در حوزه اعتدال
 حسین الزکری، ۱۰۹

The Body-food Relation in the Transcendent Philosophy
and the Arabic School
Muhammad Miri

Origin in Shankara's School
Muhammad Khatib Jahid and Sayeed Farid Ull Din

Transition from Intellectual Philosophy to Esoteric
Wisdom in the Ideas of Ikhtwan al-Sult (An Analysis of
Early Encounters of Muslim Thinkers with Philosophy)
Hassan Abdhamid Qadri

Psychology in the Sufi and the Mullaqawidh
Saeed Ahmad Hameed and Maryam Ghanem

A Critical Study and Analysis of Kant's Ideas
concerning the Validity of Categorical Imperative based
on Mulla Sadra's View
Hassan Qasbi

Aristotelian Model of Defining Science
Mehdi Nazami, Ardakan and Hossein Mansourfar Fard

Tad's Innovations concerning the Theory of Moderation
Hassan Zaidi



قیمت ۱۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۳ [پیاپی ۱۸]

مدیر مسئول: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای
سردبیر: دکتر حسین کلباسی اشتری
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی
ویراستار فارسی: فاطمه محمد
صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
احد فرامرزی قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۸۱۵۳۳۲۱ اشتراک و فروش: ۸۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۸۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۸۸۴۹۳۸۰۳

www.mullasadra.org Email: SIPRIn@mullasadra.org

شاپا: ۹۵۸۹-۲۰۰۸

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های Philosopher's Index و ISC نمایه میشود.

راهنمای تدوین مقاله

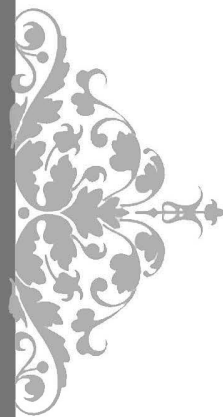
- فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد:
۱. به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
 ۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
 ۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
 ۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
 ۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
 ۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات ب زبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
 ۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نامبر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
 ۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
 ۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
 ۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
 ۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
 ۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:
ویراستار علمی ← ۲ نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
 ۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف(مؤلفان) است.

شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



۵.....	سخن سردبیر
	رابطه نفس و بدن از دیدگاه حکمت‌متعالیه و مکتب ابن عربی
۹.....	محمد میری
	مبدأ در مکتب شنکره
۲۹.....	محمد رضا اسدی و سید ضیاء‌الدین حسینی
	گرایش از فلسفه عقلی به حکمت باطنی در آراء اخوان الصفاء
۵۵.....	حسن بلخاری قهی
	علم النفس از منظر ابن سینا و ابن مسکویه
۸۷.....	سید احمد حسینی و مریم گماری
	بررسی و تحلیل انتقادی آراء کانت در باب اعتبار امر تبخیزی براساس دیدگاه صدرالمتألهین
۱۱۵.....	حسین قاسمی
	الگوی علم‌شناسی ارسطویی
۱۴۵.....	مهدی ناظمی اردکانی و حامد مصطفوی فرد
	نوآوریهای خواجه نصیرالدین طوسی در نظریه اعتدال
۱۷۷.....	حسین اترک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واژه‌های «عقل» و «عقلانیت» امروزه در سطوح وسیعی بکار می‌رود: از عرصه گفتگوهای روزانه و عادی مردمان گرفته تا عرصه دانشهای تجربی و انسانی. کاربرد و استعمال این واژگان با همه اختلاف در اطلاق و بویژه بلحاظ مرتبه و سطح کاربردشان، گویا معنا یا معانی مشترکی را به ذهن القاء میکنند که عبارتند از: نظم و سامان و دوران‌دیشی و برنامه‌ریزی و جهتهی و مانند اینها. همه این معانی به اعتباری درستند و گوینده و شنونده به خطا نمی‌روند، لیکن وقتی از «عقل» در سنت یا سنتهای فلسفی و حکمی سخن می‌آید، اطلاق یا اطلاقات آن دقیق و حساس میشود و ای بسا کاربرد آن در غیر سیاق و زمینه تاریخی، موجب اشتباه و سوءفهم گردد. از زمره خطاهایی که در برخی نوشته‌ها یا محاورات دیده میشود، کاربرد بالسویه عقل و عقلانیت در دو سنت فلسفی غرب و عالم اسلام است؛ برای نمونه، معنای عقل و مقام و آثار آن مثلاً نزد دکارت و اسپینوزا از یکسو و ملاصدرا و حکیم سبزواری از سوی دیگر به یکسان اخذ شود و آنگاه وجوه اشتراک و تمایز آنها تقریر گردد. ممکن است کسی توفیق یابد و تمایزات تلقی این فیلسوفان از عقل و آثار آن را معرفی کند، اما اغلب این مقایسه‌ها در سطح بنایی است نه مبنایی. برای روشتر شدن مطلب، اجازه دهید از خود این فیلسوفان مدد بگیریم:

وقتی راجر هریکن و دکارت از «ارغنون جدید» و «عقل ریاضی» سخن گفتند، در پی تعریف و تأسیس خرد و شعوری بودند که راه بشر را برای تصرف در طبیعت هموار سازد و البته لازمه این کار، تولد انسانی بود که عقل را برای گسترش تواناییها و تحقق اراده‌ها، البته مستقل از منابع دیگر، طلب کند. در این راه بیکن از

۵



بُتهایی که بزغم او دست و پای بشر را بسته‌اند، سخن گفت و امید داشت با گسست از شیوه‌ها و دریافتهای اسلاف خویش، عالم و آدم جدیدی متولد شود. از وجوه اهمیت دکارت، مسلماً تقریر شک دستوری و شیوه دستیابی به یقین است، اما مهمتر از اینها معرفی آن «من» شناسنده‌ی است که همه چیز قیام بر آن دارد و بمنزله کانونی است که هویت و ارزش و اعتبار همه چیز را معین می‌سازد. این «من»، آنگونه که در رساله گفتار در روش انعکاس یافته، همان عقلی است که در علم فیزیک و ریاضی، اشیاء را طبقه‌بندی کرده و با مقیاسهای کمی می‌سنجد. بعداً در طرح دکارتی و کاملتر از آن در فلسفه اسپینوزا، حتی عواطف و امیال و احساسات نیز باید به طرح ریاضی و هندسی نزدیک شوند. بدین ترتیب، فلسفه و مابعدالطبیعه آنان، متکفل تبیین کارکرد چنین عقلی است؛ عقلی که مسلماً در زمینه عقل کل و نفس عالم افلاطونی جای ندارد. قهراً چنین عقلی، اخلاق و سیاست و معیشت متناسب با خود را توجیه و حمایت میکند و قواعد و نظامات ویژه خویش را شکل میدهد. در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، طرح این عقل به کمال خود رسید و در ادبیات هگلی، جلوگاه ایده مطلق گردید. همین عقل است که حتی دین و خدا را برمبنای سوژه تفسیر میکند و مدعی است واقعیت آن چیزی است که سوژه خود بنیاد تصدیق میکند. اما در سنت دینی و حکمی عالم اسلام، عقل جلوه‌ی از وجود است و در مبدأ و غایت به هستی بحث و بسیط قیام دارد. این نگاه وجودی به مشرب اصالة الوجود و حکمت متعالیه صدرایی اختصاص ندارد؛ شیخ‌الرئیس هم وقتی در نمط سوم الاشارات و التنبيهات از مراتب نفس سخن می‌گوید، غایت عقل را اتصال به عقل فعال میداند و ارتقا و تصعید از عقل هیولانی تا عقل بالمستفاد را به مراتب نور و تمثیل قرآنی مندرج در «آیه نور» مرتبط می‌سازد. فارابی نیز عقل و علم و وجود را از یک سنخ می‌خواند و بر بساطت و مراتب وجودی آنها تأکید دارد.

این نگاه که عقل را در آینه وجود می‌بیند، کثرت آن را نیز عرضی و نه ذاتی می‌خواند و تمامی مراتب و شئون آن را به مبدأ واحدی منتسب می‌سازد؛ در ساحت عملی نیز چنین عقلی از احکام و لوازم خاص خود برخوردار است. فیلسوفان هیچگاه از نتایج عملی احکام نظری غافل نبوده‌اند و شاید کمال نظامهای فلسفی در این بوده است که در دو ساحت نظر و عمل توأمان توقف کنند. هنگامی که در دوره جدید و

معاصر، عقل و عقلانیت جدید عهده‌دار تمشیت امور شد، پرسش از اخلاق و مبادی افعال جدی‌تر شد. سؤال این بود که سوژه (عقل خودبنیاد) چگونه میتواند دست به تأسیس احکام و قواعد تنجیزی و مطلق بزند و چگونه میتواند عهده‌دار تعریف و تنظیم قواعد نامشروط اخلاقی شود؟

در برخی نوشته‌های معمولی تاریخ فلسفه آمده است که کانت پس از فراغت از تصنیف *نقد عقل محض* (نقد اول)، در اندیشه تصنیف *نقد عقل عملی* (نقد دوم) برآمد. قبول این سخن متضمن آن است که فیلسوف را متهم به تکلف و تصنع کنیم و پرسش او را نادیده بگیریم. هنگامی که کانت به بنیادهای فلسفی علم جدید می‌اندیشید، همزمان به تمایز احکام اخلاقی از ضرورت عملی و جبری پدیده‌های طبیعی وقوف داشت و درگیر بیان نسبت موجبیت و اراده آزاد بود. اهمیت مؤسس فلسفه نقادی در هرچه که باشد، در این مطلب نیز نهفته است که به استنطاق عقلی اهتمام ورزید که به هیچ مبدأ و منبعی جز خودش امیدوار نبود. بنظر میرسید که حاصل کار او برای تمامیت بنای شکوهمند مدرنیته کارآمد باشد، اما فیلسوف کونیگسبرگ هنوز در قید حیات بود که اقران و معاصران او به کاستی این سامانه اخلاقی لب گشودند و آن را به صوری بودن متهم ساختند. شاید هیچیک از فیلسوفان عصر روشنگری و پس از آن انتظار نداشتند که فردریک نیچه، در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، سرنوشت و تقدیر تمامی نظامات فلسفی پس از افلاطون و ارسطو را به متافیزیک و ویژگیهای خودبنیاد آن مرتبط سازد و آنها را به نسبت‌انگاری متهم کند. اکنون باید تأمل کرد که چگونه میتوان سرشت و تاریخ عقل جدید را با عقل مورد نظر حکمای مسلمان مقایسه نمود، بدون آنکه مبانی و مبادی ایندو را در نظرآورد؟ این سخن بمعنای همدلی مطلق با انظار حکمای

مسلمان و نفی و طرد مطلق امتیازات فیلسوفان غربی در تبیین ماهیت عقل و کارکردهای آن نیست، بلکه به این معناست که تمایز گفتمان وجودی از غیر آن، در تمامی عرصه‌های آگاهی و عمل، تأثیر خود را آشکار می‌سازد و در هر تبیین و تقریری خود را مستقر میگرداند.

بدین ترتیب، برغم پیشینه بس دراز پرسش از ماهیت عقل، اکنون نیز جا دارد در



آنجا که از عقل و عقلانیت سخن بمیان می‌آید - بویژه در آنجا که از نهادها و سازوکارهای اجتماعی سخن میرود - از خود پرسیم که سخن از کدام عقل است و مهمتر اینکه پرسیم آیا همچنان به تجویز عقل گسسته از مساحت وجود و خودبنیاد و نسبی‌انگار قائلیم؟ و آیا وقت آن نیست به بازخوانی و اقبال آن خردی که در فطرت آدمی بمثابه حجت باطن تعبیه شده است، اهتمام ورزیم؟

سردبیر